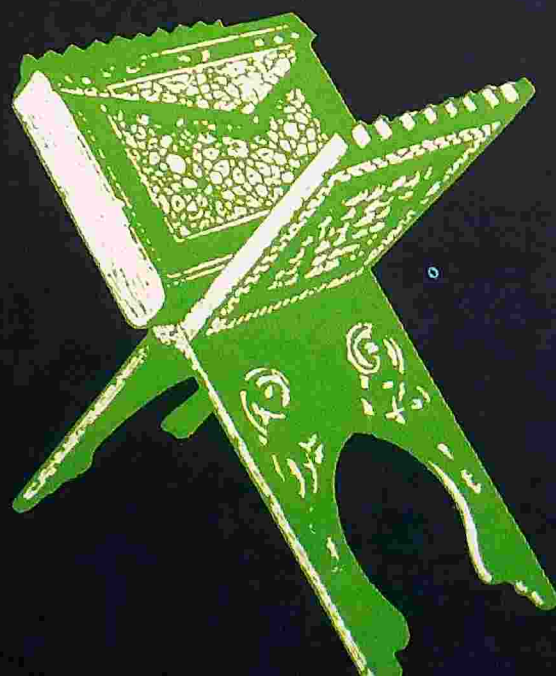


مقام



سال سوم (سال تحصیلی ۱۳۶۲ - ۱۳۶۳) - بها ۲۰ ریال - شماره ۹





سر مقاله

گزارشی به خوانندگان

با انتشار این شماره، رشد معلم سومین سال زندگی خود را پشت سر می گذارد. ار همان آغار، تمامی تلاش ما در این بوداست که با تکیه بر مبانی اصیل و انسان سار اسلام و با درک ویژگیهای فرهنگی جامعه انقلابییمان، مجموعه ای را تقدیم معلمان کشور ساریم که آگاهیهیو کارآیی هایشان را فرونی بخشد و آنها را در انجام رسالت خطیر خود امیدواری و توانایی دهد.

علاوه بر این دواصل، یعنی پای فشردن بر مبانی اسلامی و انقلابی و نیرهمخوانی با فرهنگ جامعه، رعایت نکات زیر، به عنوان معیارهای اساسی، همواره مورد توجه مان بوداست:

- ۱- در نظر گرفتن نیازهای مخاطبان اصلی و کوشش در رفع آن نیازها
- ۲- پرباری و عنای محتوی
- ۳- تارگی مطالب
- ۴- جلب همکاری معلمان و مشارکت بخشیدن آنها

گرچه برای تحقق بخشیدن به اهداف یاد شده با مشکلات زیادی همچون کمبود نیروی انسانی مجرب، عدم امکانات مادی، نارساییهای اداری و ناهماهنگی های تشکیلاتی روبرو بودهایم، اما یاری خدای بزرگ، اعتماد فراوان مسوولان، همدلی و پیاپیمردی همکاران و تشویق و همیاری خوانندگان باعث شده اند که بتوانیم در مدت سه سال انتشار مجله گامهای مهم و موثری برداریم.

در این شماره می خوانید

۳۴	شعر و ادب	۴	همراه با ماه
۳۶	بهداشت		بهوش باشیم که تاریخ را تحریف نکند!
۴۰	خاطره	۶	انگیزه های قیام خویش پانزده خرداد
۴۰	گفتنی ها و شنیدنی	۶	فنون کلاس داری
	پرتوی از زندگی بانوی شهید	۱۰	معلم من، زندگی من است.
۴۴	بیت الهدی	۱۴	شاگردانی با فضیلت از مکتب رهرا (س)
۴۸	نقش معلم در یادگیری	۱۶	همکاران شهید
۵۲	مشکلات خواندن	۲۰	معلم خوب من
۵۱	پاسخ به سوالات تربیتی	۲۶	مراحل رشد
۵۶	کانادا و سلطه فرهنگی	۲۸	نقش انگیزش در بهداشت روانی
۶۲	معرفی کتاب	۳۰	دانش آموزان
۶۴	پاسخ به نامه ها		



برای مدیران و آموزگاران

شماره ۹

(سال تحصیلی ۱۳۶۴ - ۱۳۶۳) شماره مسلسل ۲۳

از انتشارات:

دفتر امور کمک آموزشی و کتابخانهها

مسئول: مصطفی رحمان دوست

ردبیر: محمود گلزاری

لیدر: معاونت فنی و هنری

سایه دفتر مجله: تهران - صندوق پستی ۱۵۸۷۵۳۳۳۱

دفتر امور کمک آموزشی و کتابخانهها

رکز توزیع: تلفن ۸۳۱۴۸۱

ناب از: شرکت اقت (سهامی عام)

ظ چاپ: غلامرضا احمدزاده



وزارت آموزش و پرورش

جمهوری اسلامی ایران

سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

اشتراک سالانه

برای اشتراک، مبلغ ۳۶۰ ریال در وجه وزارت آموزش و پرورش - مجلات رشد، به حساب ۹۲۹ خزانه بانک مرکزی (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی) پرداخته و پس رسید آن را همراه با نشانی کامل خود بیه مرکز توزیع مجلات رشد - تهران، خیابان ایروان شهرستانی، با احتمان شهید موسوی (شماره ۵) چهار آموزش و پرورش ارسال دارید.

نقش معلم

(قسمت دوم)

در یادگیری دانش آموزان

نویسنده: دکتر عبدالله شفیع آبادی

در مقاله قبلی، برخی از عوامل موثر در یادگیری را به طور مختصر بر شمردیم. این عوامل عبارت بودند از آمادگی، ماهیت موضوع یادگیری، شیوه تنظیم و ارائه مطالب، تمرین و تکرار، تشویق، و فراهم آوردن شرایط محیطی مناسب. اکنون عوامل فوق را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم:

۱) آمادگی لازمه یادگیری است.

برای وقوع یادگیری، دانش‌آموز و نیز معلم هر دو باید از آمادگی کافی برخوردار باشند. دانش‌آموز باید آمادگی لازم در زمینه‌های ذهنی، جسمی، و عاطفی را دارا باشد. از دیدگاه روانشناسی، هر فردی با مقداری توانایی بالقوه متولد می‌شود که محیط مناسب در شکوفایی و به فعلیت درآوردن آنها نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. از این رو، قدرت یادگیری تلفیقی از توانایی بالقوه و امکانات محیطی فرد می‌باشد. فرد، توانایی‌های بالقوه معینی در زمینه‌های مشخصی دارد که از طریق تعلیم و تربیت باید کشف و شکوفا شود. بدین جهت «بی‌استعداد» نامیدن کسی نمی‌تواند اصطلاح درستی باشد؛ زیرا با استفاده از چنین اصطلاحی، معمولاً گروهی از دانش‌آموزان در کلاسها به حال خسودرها می‌شوند و مورد بی‌توجهی معلم قرار می‌گیرند و در نتیجه یادگیری آنها دائماً رو به کندی می‌گراید. لازم به یادآوری است که استعداد به تنهایی نمی‌تواند موجب یادگیری گردد و داشتن چنین تصویری مبنی بر این که کل یادگیری به علت وجود استعداد عملی می‌شود، معلم را از انجام کارهای اصلاحی باز خواهد داشت. عوامل متعدد و گوناگونی موجب می‌گردند که دانش‌آموز نتواند مطالب ارائه شده را فراگیرد که از آن جمله عدم استعداد کافی فقط یک عامل بشمار می‌رود. مناسفانه در مواردی، معلم بدون آنکه خودش به منظور

شناسایی دانش‌آموز و خانواده‌اش اقدامی به عمل آورد، بلادرنگ سنجش میزان هوش را مقدم بر هر عمل دیگری می‌داند. معلم از طریق گفتگو با دانش‌آموز، والدین، و معلمان دیگر می‌تواند به نحو مطلوبی به علل عدم یادگیری دانش‌آموز پی ببرد. چنانچه این اقدامات اولیه به نتیجه‌ای نرسد - در صورتی که آزمون هوشی موفق و معتبری موجود باشد - می‌توان به اجرای آن مبادرت ورزید تا پس از تعیین میزان هوش به، روشهای تربیتی مناسبی در باره دانش‌آموز اعمال گردد.

سلامتی و رشد جسمانی نیز در یادگیری موثر است. اگر شاگردی از سلامت جسمانی برخوردار نباشد، یادگیری او مختل می‌گردد. تغذیه ناکافی و نامناسب با اثر سویی که در رشد جسمانی دارد، می‌تواند یادگیری دانش‌آموز را با مشکل مواجه سازد. سوء تغذیه دانش‌آموز ممکن است بر اثر بی‌توجهی والدین و خصوصاً مادر و یا به علت فقر اقتصادی به وجود آید. در مورد اول، راهنمایی و هدایت والدین بطریق مناسب می‌تواند در رفع مشکل موثر واقع شود. در حالت دوم،



یک تک به خانواده برای تامین درآمد کافی و یا ارائه کمک‌های مادی به طریق مقتضی می‌تواند مشکل کلاس را تا حد قابل توجهی برطرف کند. دکتر عبدالرحمن سلیمان سادات شخصی
www.dr-a-shad.com

آمادگی عاطفی دانش‌آموز نیز در یادگیری، تأثیر بسزایی دارد. دانش‌آموزی که با مشکل عاطفی، مثلاً ناراحتی خانوادگی و یا ناکامی در برسه مواجه است قادر به فراگیری در حد مطلوب نخواهد بود. دانش‌آموزانی در کلاس حالتی گرفته و نگران دارند و گوشه گیرند و در بحث‌های کلاسی مشارکت نمی‌کنند و برخی دیگر حالت پرخاشگری شدید دارند و نظم کلاس را بهم می‌زنند و مانع پیشرفت کارهای کلاسی می‌شوند. معلمان به جای آنکه این گونه شاگردان را تهدید و از کلاس اخراج کنند باید با کمک متخصصان دیگر به بررسی و کشف علل رفتار ناشایست آنها بپردازند. تهدید دانش‌آموز و اخراج او از کلاس نه تنها



مشکلی را نمی‌گشاید، بلکه بر ناراحتی‌های موجود نیز می‌افزاید. تماس معلمان با والدین به منظور بررسی و شناخت و نیز حل مشکلات عاطفی و درسی دانش‌آموزان در اکثر موارد ضرورت می‌یابد. معلم قبل از تماس با والدین، باید چند نکته مثبت دانش‌آموز را مشخص کند تا بهنگام تماس با والدین، ابتدا با بازگو کردن آن نکات مثبت بتواند به طرح و سپس رفع مشکلات دانش‌آموز مبادرت ورزد. ذکر نکات مثبت در آغاز ملاقات، والدین را آماده شنیدن نکات منفی می‌کند و همکاری آنها را برای رفع مشکلات موجب می‌گردد.

ارتباط با همکلاسیها و دوستان - خصوصاً در مدارس ابتدایی - در چگونگی آمادگی عاطفی دانش‌آموزان تأثیر بسیار دارد. برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی طرد شدن از طرف دوستان و همسالان احساسی بسیار نامطبوع و ناراحت کننده است. معلم از طریق مشاهده می‌تواند به تغییرات رفتاری دانش‌آموزان در کلاس پی ببرد و با بررسی و پی‌گیری، مشکل را بشناسد و سپس در صدد رفع آن برآید. به عنوان نمونه، شناسایی علل طرد دانش‌آموز و تلاش برای رفع آن می‌تواند در تأمین تعادل رفتاری و عاطفی و در نتیجه افزایش در میزان یادگیری مؤثر باشد.

لازم به توضیح است که آمادگی معلم نیز همچون دانش‌آموز در جریان یادگیری اهمیت دارد. چنانچه معلمی با شیوه‌های تدریس و

ارائه مطالب، به طریق درست آشنایی نداشته باشد و یا با مشکلات عاطفی و اجتماعی مواجه باشد، به نحو مطلوبی به تدریس قادر نخواهد بود و در نتیجه یادگیری دانش‌آموزان آن طوری که باید و شاید به وقوع نخواهد پیوست. از این رو، توجه به مسائل و مشکلات معلمان در حد امکان و تشکیل دوره‌های بازآموزی ضرورت می‌یابد. معلم باید احساس ارزش کند و بداند که پیشنهادات و نظرات منطقی او در تهیه و تدوین برنامه‌های آموزشی مؤثر واقع می‌شود. گزینش مناسب معلمان، توجه به برنامه‌های آموزشی تربیت معلم و تأکید بر کارهای عملی، نظارت مستمر و هدایت معلمان در جریان تدریس توسط افرادی آگاه و مطلع، و تأمین نیازهای موجه آنان در حد امکان، می‌تواند بر کارایی معلم بیافزاید که نهایتاً بر میزان یادگیری دانش‌آموزان اثر خواهد گذارد.

۲) ماهیت موضوع یادگیری

یکی دیگر از عواملی که در جریان یادگیری باید به آن توجه شود، ماهیت موضوع یادگیری است. برای فراگیری موضوعات از روشهای گوناگونی می‌توان استفاده کرد و هر موضوع با روش معینی بهتر فرا گرفته می‌شود. به عنوان مثال، برخی از موضوعات از طریق انجام اعمال و حرکات آموخته می‌شوند، در حالی که برای یادگیری مهارتها و موضوعات دیگر، فراگیر باید در گوشه‌ای ساکت و آرام

- معلم از طریق گفتگو با دانش‌آموزان، والدین و معلمان دیگر می‌تواند به نحو مطلوبی به علل عدم یادگیری دانش‌آموز پی ببرد.
- معلم باید بتواند از ابزار و وسایل مختلف آموزشی که موجب تسهیل و بهبود یادگیری می‌شوند به خوبی استفاده کند.
- محرک تشویقی برای هر فرد، آن چیزی است که فرد برای نیل به آن تلاش می‌کند و از رسیدن بدان احساس شادی و رضایت می‌نماید.

تفکر و به تفکر و تعقل پردازد. گر چه توانایی ذهنی بلند ناپذیری را ایفاء می کند ولی در یادگیری برخی از اعمال و مهارتها اهمیت بیشتر و چشم گیرتری دارد؛ به طوری که اگر توانایی ذهنی از حد معینی پایین تر باشد، یادگیری برخی مهارتها برای فرد امکان پذیر نخواهد بود. از این رو، معلم باید روشهای مطالعه و یادگیری هر موضوع درسی را در آغاز سال با دانش آموزان مطرح سازد و آنها را به این موضوع مهم واقف کند.

۳) روش تدریس

در ارتباط با ماهیت موضوع یادگیری، روش تدریس و شیوه ارائه مطلب مطرح می گردد. برای آن که یادگیری در حد مطلوبی انجام گیرد، معلم باید با روشهای تدریس متناسب با موضوع درس آشنا باشد و بتواند آن را عملاً بکار بندد. معلم باید بتواند از ابزار و وسایل مختلف آموزشی که موجب تسهیل و بهبود یادگیری می شوند بخوبی استفاده کند. دانشجویان مراکز تربیت معلم باید از طریق آموزش های نظری و عملی لازم و مناسب با انواع روشهای تدریس آشنا شوند و بتوانند هر یک را در موقعیت مناسب بکار بندند.

۴) تمرین و تکرار

چنانچه تمرین و تکرار به طریق درست و مناسب عملی شود، می تواند در افزایش یادگیری موثر افتد. تعیین تکلیف به عنوان فعالیتی برای تمرین و تکرار درس بشمار می رود. انجام تکلیف در صورتی می تواند به افزایش یادگیری منجر شود که اولاً با موضوع درس مربوط باشد و مقدار آن با توجه به فرصت و توانایی دانش آموز تعیین گردد. ثانیاً تکلیف تعیین شده توسط معلم با دقت و به موقع پس گرفته شود. در غیر این صورت خصوصاً در مدارس ابتدایی - به ترتیب دانش آموزانی غیر مسئول و نامنظم منجر خواهد گردید. ثالثاً

● فرد توانایی های بالقوه معینی در زمینه های مشخصی دارد که از طریق تعلیم و تربیت باید کشف و شکوفا شود.

● شرایط انسانی و محیطی مناسب در افزایش میزان یادگیری دانش آموزان مؤثرند.

● یادگیری زمانی به نحو مطلوب انجام خواهد گرفت که فراگیر و معلم هر دو از آمادگی لازم برخوردار باشند.

معلم باید نحوه انجام تکلیف تعیین شده را با دقت با دانش آموزان مورد بحث قرار دهد و آنها را با چگونگی انجام آن آشنا سازد.

۵) تشویق نیز در یادگیری مؤثر است.

تشویق فراگیر به طور مناسب و صحیح می تواند به افزایش یادگیری بیانجامد. تشویق برای افراد مختلف مصادیق و معانی متفاوتی دارد. به بیانی دیگر، ممکن است یک شیء خاص برای فردی اثر تشویقی داشته باشد، در حالی که همان شیء، فرد دیگر را به هیچ عنوان برنیانگیزد. از این رو معلمان باید بدانند که یک محرک تشویقی، همه دانش آموزان را به یک اندازه به کار و فعالیت و انمی دارد. محرک تشویقی برای هر فرد، آن چیزی است که فرد برای نیل به آن تلاش می کند و از رسیدن بدان احساس شادی و رضایت می نماید. بدین جهت، معلم قبل از تشویق باید محرک و یا

۶) تامین شرایط محیطی

شرایط محیطی مناسبی باید فراهم آید تا



بادگیر کند. به نحو مطلوب انجام پذیرد. در این زمینه می توان اولاد به روابط عاطفی مطلوب بین معلمان و شاگردان و نیز روابط حسنه بین کارکنان مدرسه اشاره کرد. روابط انسانی مطلوب که به ایجاد محیطی مملو از تفاهم و بیژش منجر می شود، امکان همکاری افراد با یکدیگر را افزایش می دهد و میل به یادگیری را تشدید می کند. از سوی دیگر، در محیطی مشنج و نامطلوب، مقدار زیادی از نیروی افراد صرف خنثی سازی و مواجهه با رفتارهای نامناسب اطرافیان می گردد و تعادل به یادگیری به حداقل کاهش می یابد. ثانیاً از نظر شرایط فیزیکی، ساختمان مدرسه باید نیز و آفتاب گیر باشد و میزها و صندلیها متناسب با سن و رشد جسمانی دانش آموزان انتخاب شود. تخته سیاه نیز باید در فاصله مناسبی از زمین قرار گیرد تا دانش آموزان به

راحتی بتوانند بروی آن بنویسند و در صورت امکان سکوی در زیر تخته سیاه تهیه شود. توصیه می گردد در کلاس های اول ابتدایی تخته سیاه خط کشی شود تا معلم و دانش آموزان حروف و کلمات را بروی خطها بنویسند.

به طور خلاصه یادگیری زمانی به نحو مطلوب انجام خواهد گرفت که اولاً فراگیر و معلم هر دو از آمادگی لازم برخوردار باشند. در مورد دانش آموز به مواردی نظیر آمادگی ذهنی، جسمی، و عاطفی اشاره شد. معلم نیز که همچون انسانهای دیگر دارای نیازها و مشکلاتی می باشد، در یادگیری دانش آموز نقش بسزایی را ایفا می کند. در برنامه ریزی ها باید به نحوه گزینش، برنامه آموزشی مراکز تربیت معلم، هدایت و پی گیری کار معلم، و تأمین نیازهایش در حد امکان توجه نمود. ثانیاً ماهیت

موضوع یادگیری در چگونگی یادگیری موثر است و معلم باید در آغاز سال تحصیلی نیروی فراگیری درس مورد نظر را برای دانش آموزان مطرح سازد و مدتی درباره آن صحبت کند. ثالثاً روش تدریس و شیوه ارائه مطالب درسی می تواند در میزان یادگیری موثر باشد و معلم باید با شناخت گارش، مناسبترین روش را بکار بندد و از ابزار و وسایل گوناگون برای عینیت بخشی به مطالب درسی استفاده کند. رابعاً تسویق درست و مناسب می تواند موجب افزایش میزان یادگیری گردد و معلم باید بتواند بطریق درستی دانش آموزان را مورد تسویق قرار دهد. خامساً شرایط انسانی و محیطی مناسب در افزایش میزان یادگیری دانش آموزان موثرند و در فراهم آوردن آنها باید حتی الامکان تلاش شود.

بیماری رشد

همان تحول اساسی مذکور، آشکار نمود.

بیشترین و سهمگین ترین خشم های نوجوان در مواردی است که میان او و «خوشتن بزرگ» او مانعی به ظهور می رسد، خوشتنی که باید منشاء تصمیم گیری و استقلال رأی باشد، خوشتنی که باید محترم و مصون از استهزاء و خرده گیری باشد و خوشتنی که دخالت در تصمیم گیری های او مجاز نیست. بنابراین، کسانی آماج خشم بی امان نوجوان قرار می گیرند که بخواهند رای خویش را بر وی تحمیل

کنند، یا او را به باد سخریه و انتقاد بگیرند و یا در تصمیم های او دخالت و اظهار نظر کنند.

چرا نوجوانان می ترسند؟ منظور از ترس، آن گونه ترس هایی است که با ظهور نوجوانی، به میان می آید، وگرنه ترس هایی همچون ترس از حیوانات، رعد و برق، تاریکی و... در کودکی هم وجود داشته، هر چند در نوجوانی، با رشد قدرت تخیل، پیچیدگی بیشتری می یابد.

ترس های دوره نوجوانی نیز همچون سایر جریانات روانی و عاطفی

این دوره، بیشتر در ارتباط با جستجوی «خوشتن بزرگ» به ظهور می رسد. مثلاً ترس های اجتماعی، همچون ترس از تماس ها و برخوردهای اجتماعی، ترس از قبول مسئولیت و ترس از شکست در تحصیل، به روشنی نشان دهنده حفظ و حراست نوجوان، نسبت به حصارهای آن خوشتن بزرگ است. ترس های جنسی نیز (بجز ترس هایی که جنبه اعتقادی دارد و در واقع ترس محسوب نمی شود، بلکه نوعی پرهیز خود آگاهانه و ارادی است) همچون ترس از گفتگو با جنس مخالف، در واقع، زائیده نگرانی نسبت به تصویر نامناسب و یا خلل ناپذیری است که ممکن است از خود، ارائه دهد.